

Global Storybooks

globalstorybooks.net

قصة

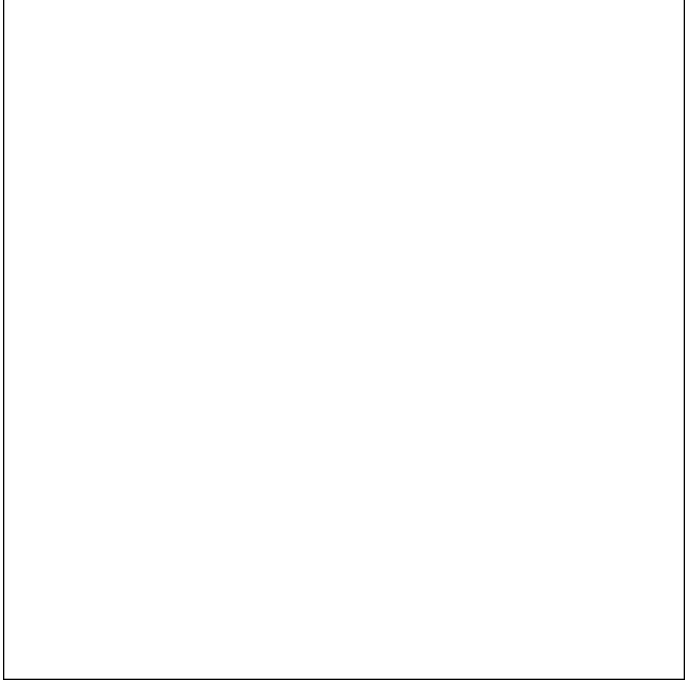
✎ Ursula Nafula
✉ Vusi Malindi
📄 Marzieh Mohammadian Haghighi



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 4.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/4.0).
<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>



قصة

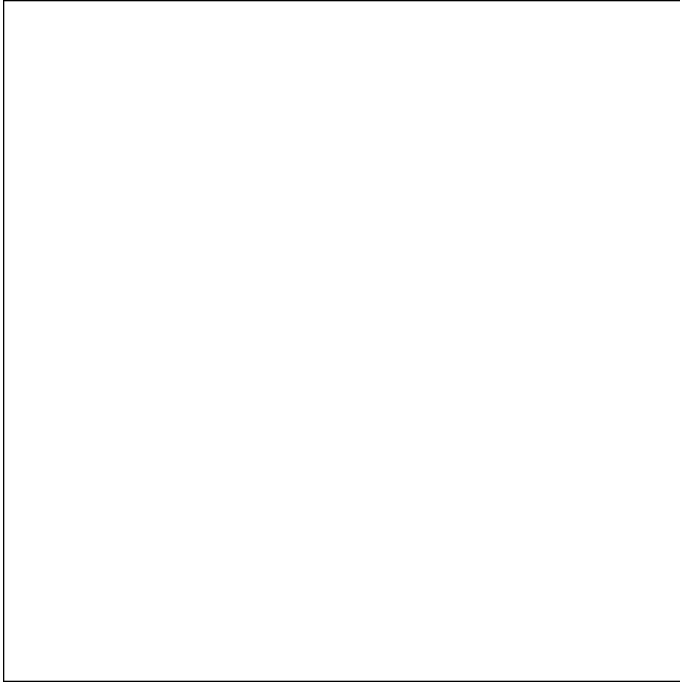


✎ Ursula Nafula
✉ Vusi Malindi
📄 Marzieh Mohammadian Haghighi

|| 2

قصة

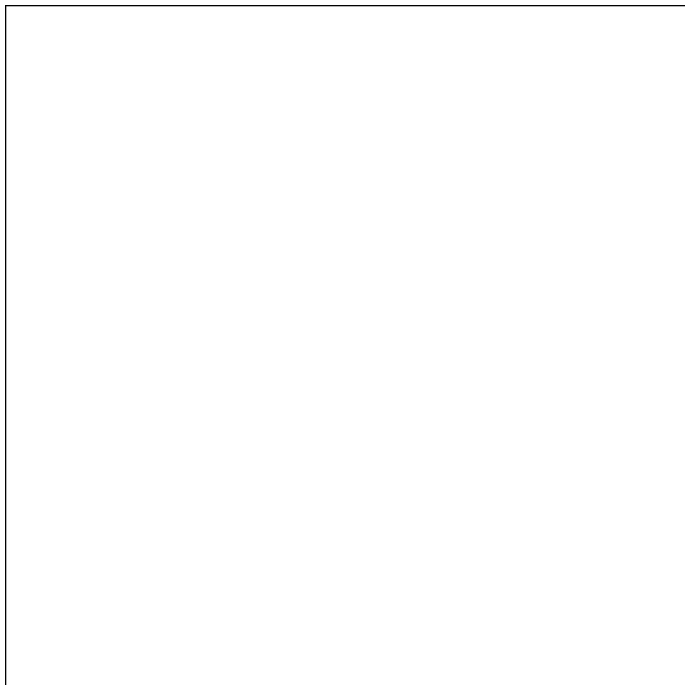
Fa

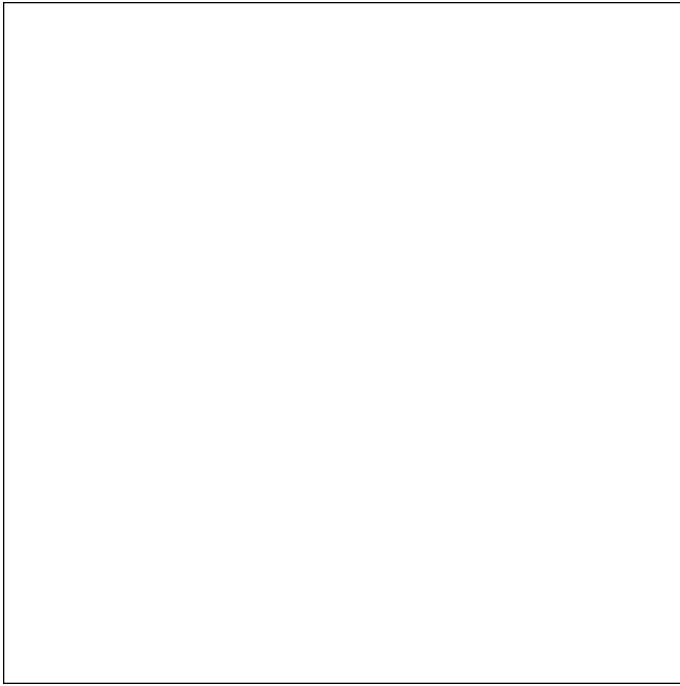


دهگده ي مَن مُشكِلاتِ زيادى داشت. ما
مَجبور بوديم كه بَراي بُردنِ آبِ از يك لوله
دَر يك صَف طولانى بایستيم.

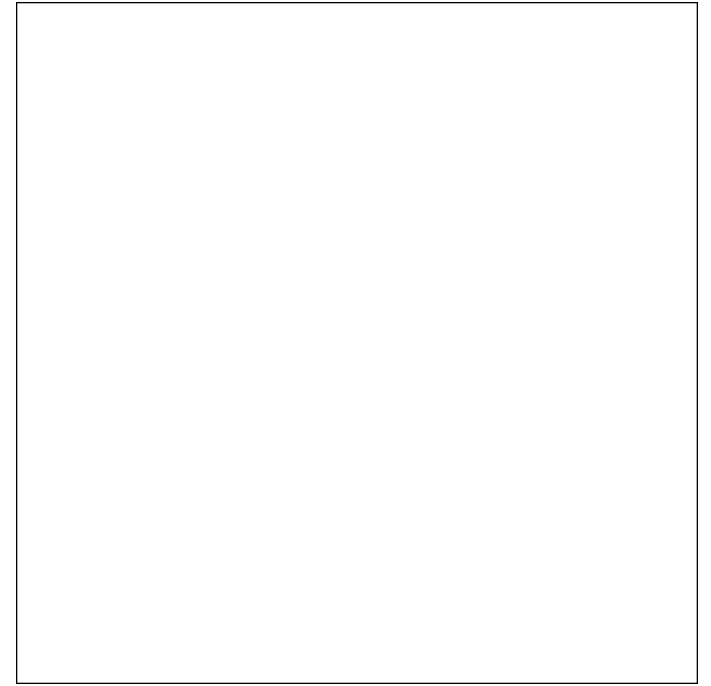
نودم.

ما منتظر بخشش خدا از طرف دیگران





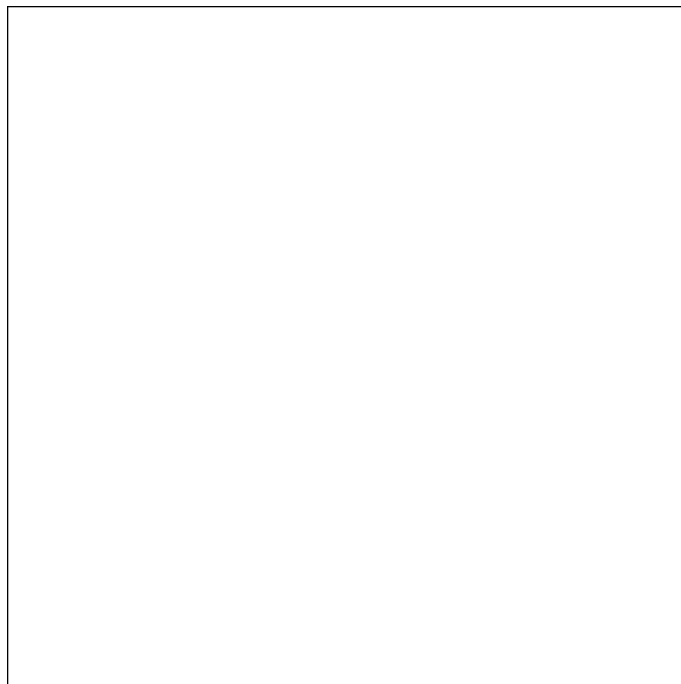
مَا دَرِ خَانِه هَلَايَمَان رَا بَه خَاطِرِ دُزْدَان زود
قُفْل مِي گَرْدِيم.



هَمِه مَا يَك صِدَا فَرِيَاد زَدِيم: مَا بَايِد
زِنْدِگِيَمَان رَا تَغْيِير دَهِيم. اَز آن رُوز بَه بَعْد
هَمِگِي بَا هَم كَار گَرْدِيم تَا مُشْكِلَاتِمَان رَا حَل
كُنِيم.

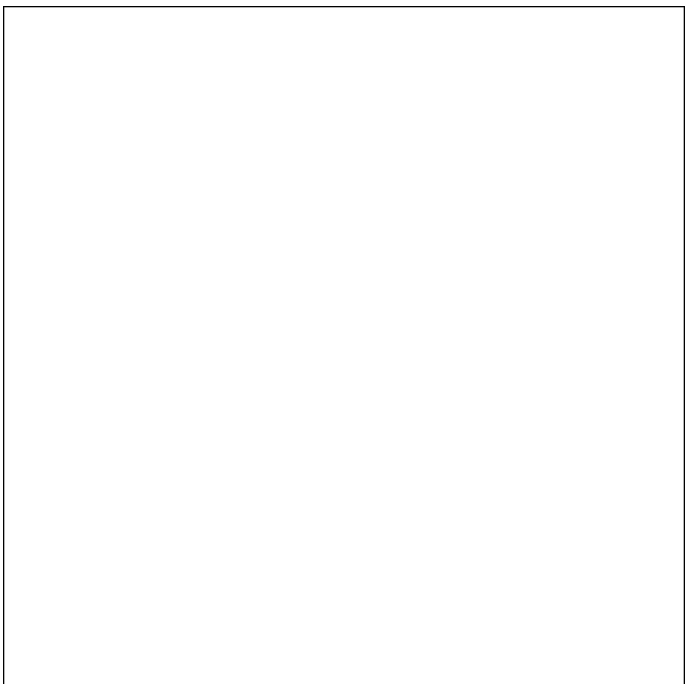
چاه بکنند.

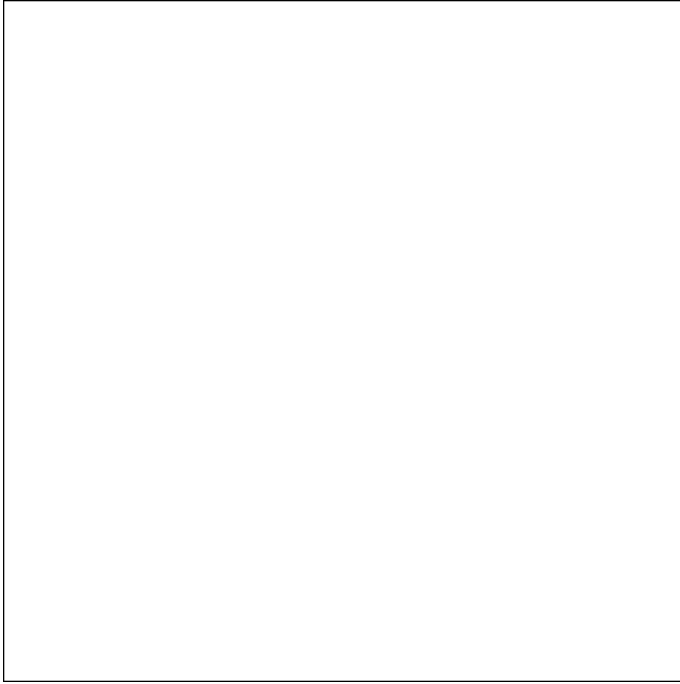
مرد دیگر ایستاد و گفت: مردها می توانند



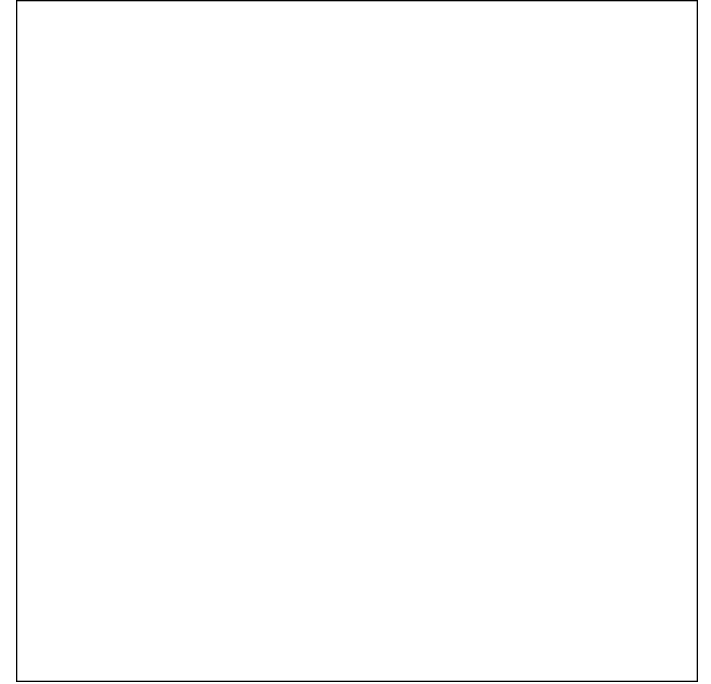
می زنند.

مردم از مدرسه محروم
چیزی از بچه ها از مدرسه محروم



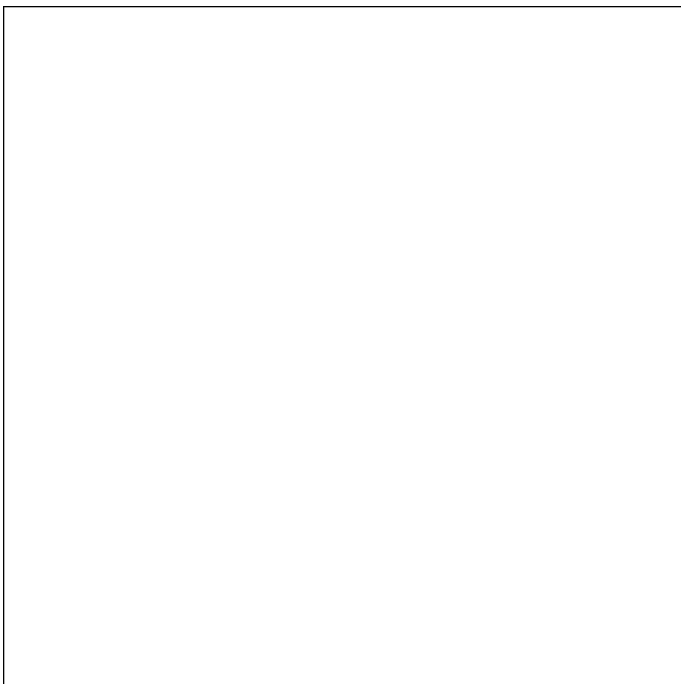


دُخْتَرانِ جَوانِ به عُنْوانِ پِيشِخِدمَتِ دَرِ
رِوسِتاهايِ دِیگرِ کارِ می‌گِرَدَند.

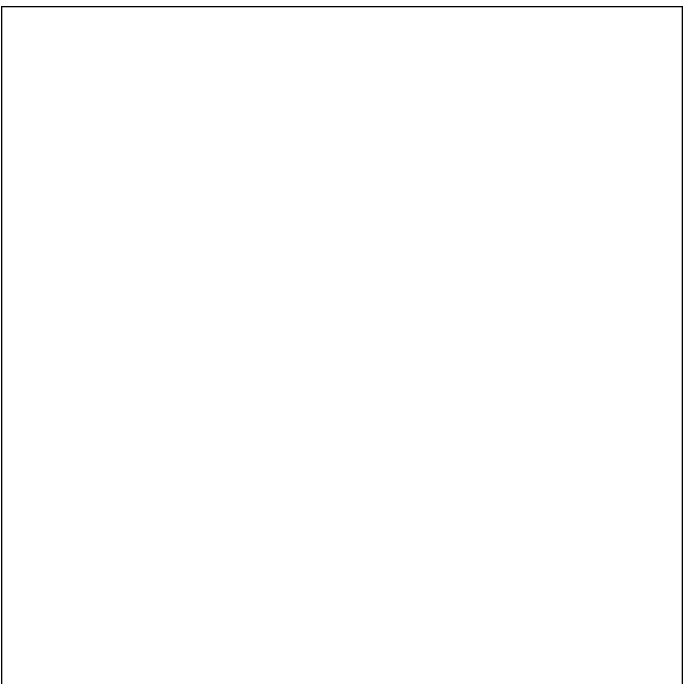


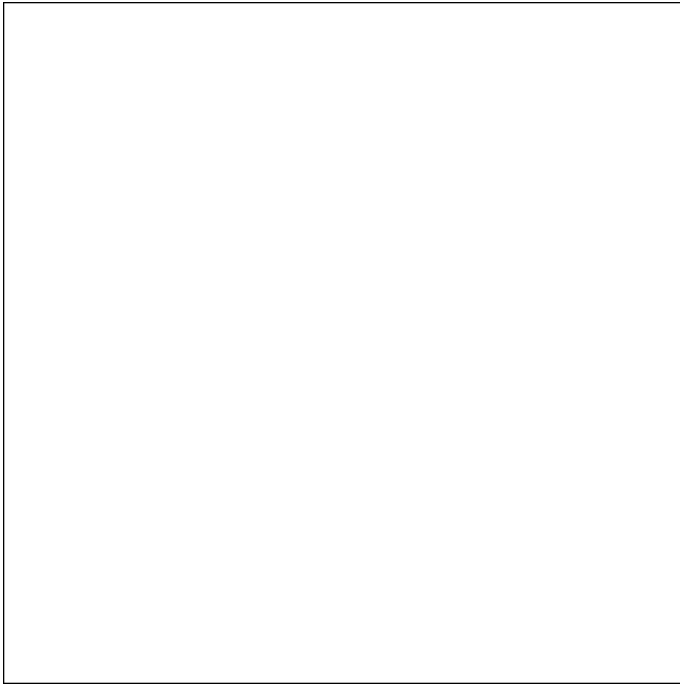
پِکِ خائِمِ گُفت: زَنها می‌تِوانند دَرِکِاشْتِنِ
مَحصولاتِ غَذايِی با مَن هَمراهِی کُنند.

خودم را همیشه سادگی، روی یک کتبی
 درخت بنشینم بود و داد زدن من می توانم
 در نظافت کردن کمک کنم.

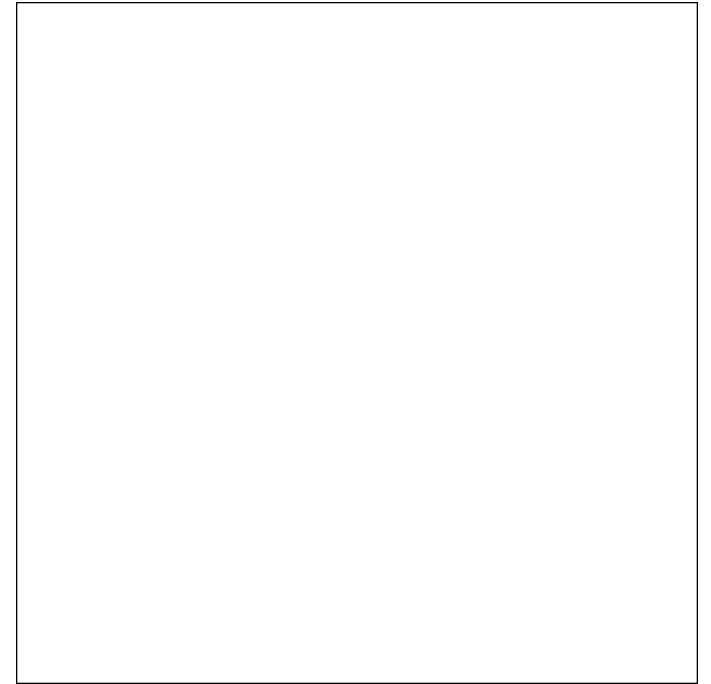


بسیاری جوانان در اطراف دهکده پرسه
 می زنند در حالیکه دیگران روی زمین های
 کشاورزی مردم کار می کنند.





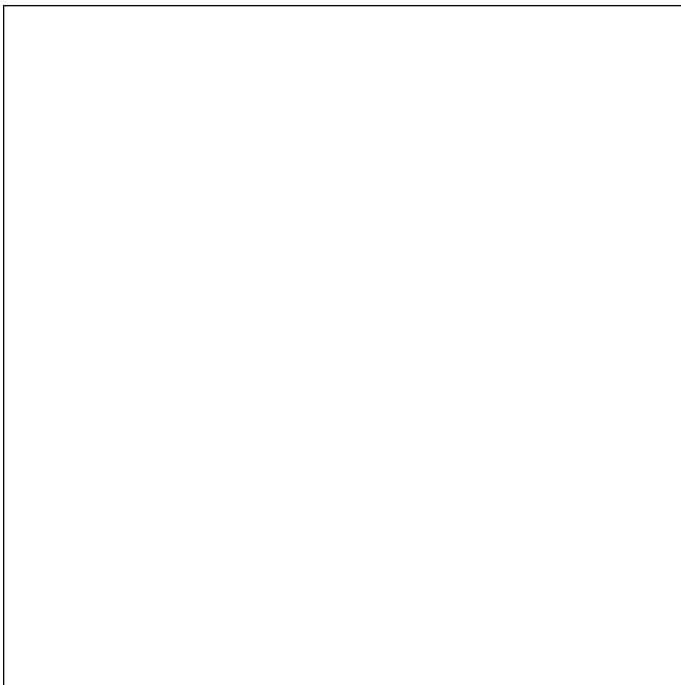
وَقْتِي كِه بَاد مِي وَزِيد، كَاغْذِهَائِي بَاطِلِه رُوي
دِرْخَتَان وَ حِصَارِهَا أُويزَان مِي شُدَنْد.



پِدْرَم اِيستاد وَ گُفت: مَا نِيَاز دَارِيْم كِه بَا هَم
كَار كُنِيْم تَا بَتَوَانِيْم مُشْكِلَاتِيْمَن رَا حَل كُنِيْم.

وگوشی کریزند.

مردم زیر یک ریختن پُرگ جمع شدند

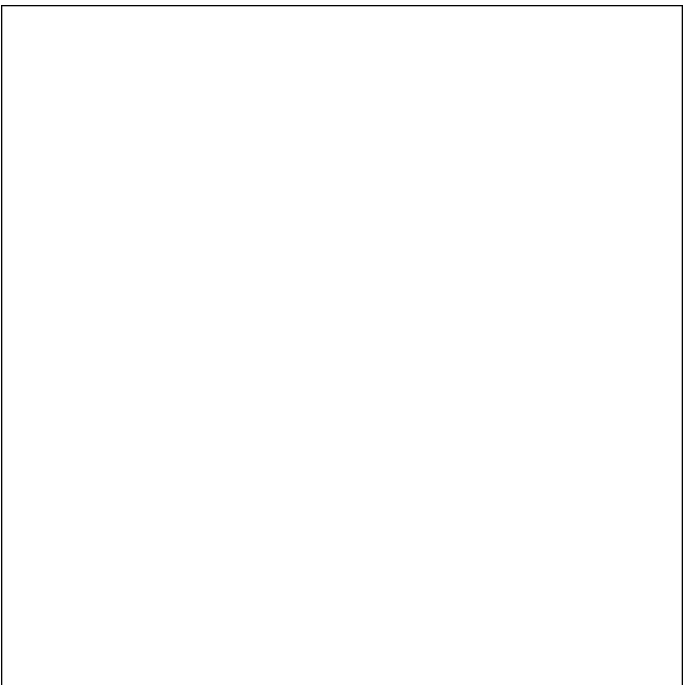


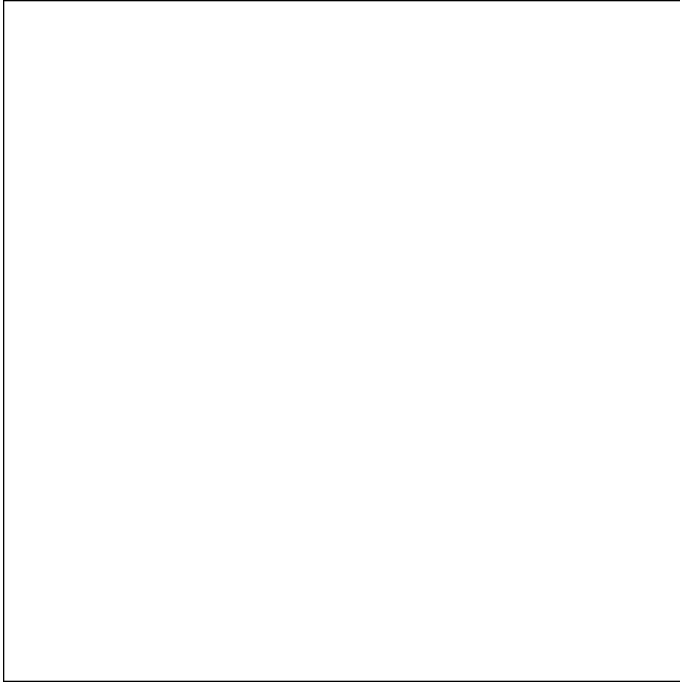
می شد.

شده نود دست و نای مردم پُرگ پُرگ

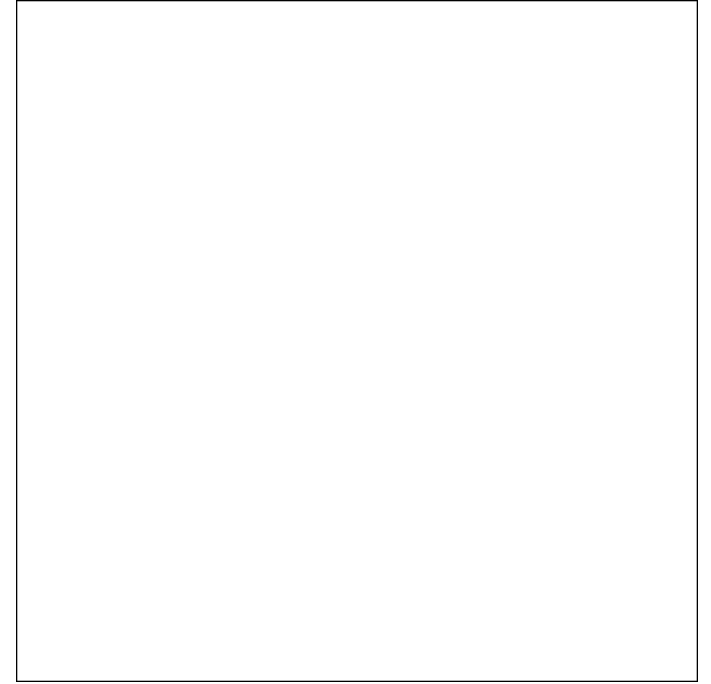
که از روی بی احتیاطی روی زمین ریخته

گاهی اوقات به خاطر خرد شده همیشه هادی





پک روز، آب لوله خُشک شُد وَ ظَرْفِہایِ آبِ
ما خالی ملاند.



پدَرَم به تَک تَکِ خانہ ہا رَفت وَ اَز مَرْدُم
خواست کہ دَر جَلِسیہ یِ دِہگدہ شِرکَت
کُنند.